گفت‌وگو
زهرا چیذری

بررسی نقش مادر در تربیت فرزندان در گفت‌وگو با نجمیه‌سادات مشهدی، مشاور خانواده و مدرس دانشگاه

نقش تربیتی مادر فراتر از تربیت فرزندان است

هفت سال نخست زندگی انسان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، به گونه‌ای که شالوده اصلی شخصیت ما در همان هفت سال نخست پایه‌ریزی می‌شود. بر این اساس اگر بتوانیم تربیت درستی را در این هفت سال روی فرزندان‌مان داشته باشیم تا حد زیادی دوران‌های بعدی زندگی‌شان را می‌توانند با سلامت طی کنند چراکه شخصیت اصلی آنها به درستی شکل گرفته است. در این بین گرچه پدر و مادر هر دو در شکل‌گیری شخصیت فرزندان‌شان نقش دارند اما در هفت ساله نخست زندگی نقش مادر بسیار پررنگ‌تر است چراکه به واسطه روحیه لطیف، نیازها و شکنندگی کودکان در هفت سال نخست زندگی، مادرها ارتباط تنگاتنگ‌تری با فرزندان دارند و کودک بسیاری از مسائل را در آغوش مهر مادر می‌آموزد و تجربه می‌کند. آنچه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی ما با دکتر نجمیه‌سادات مشهدی، روان‌شناس و مشاور خانواده پیرامون نقش مادر در تربیت کودک به ویژه دختران و تربیت دینی آنهاست.

رضا بهشتری | جوان

در هفت سال نخست زندگی شخصیت اصلی انسان شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه مادرها معمولاً زمان بیشتری با بچه‌ها هستند، به خصوص در هفت سال نخست زندگی، نقش آنها را در تربیت فرزندان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اصل ۵۵درصد مادر و ۴۵درصد پدر در تربیت فرزندان نقش دارند. در مدت‌زمانی که از صبح پدر سر کار می‌رود و برمی‌گردد، در این فاصله می‌توانیم بگوییم مادر مدت‌زمان بسیار طولانی با بچه کار می‌کند و به صورت نامحسوس یا محسوس تمام مسائل را به فرزند در تربیت آموزش می‌دهد، اما پدر در همان مدت‌زمان کوتاهی که در خانه حضور دارد، می‌تواند در تربیت بچه‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. دلیل اینکه خطاب ما اغلب به والدین است، چون متأسفانه پدرها در حال حاضر انگار مسئولیتی در قبال تربیت فرزند ندارند و این بسیار غلط است. الان خیلی از آسیب‌هایی که ما در تربیت فرزندان‌مان داریم، کمرنگ‌شدن وجود پدر است و مادر احساس تنهایی می‌کند. از سوی دیگر تناقض در رفتار تربیتی چالش دیگری است که ما با آن مواجه هستیم و از صبح تا غروب مادر یک مدل تربیتی را اجرایی می‌کند و پدر که به خانه می‌آید، رفتار عوض می‌شود. بچه‌های ما از این تناقض سوءاستفاده می‌کنند یا مادر می‌شود پلیس بد و پدر می‌شود پلیس خوب! پس اینجا خیلی مهم است که پدر هم نقش پررنگی داشته باشد. اما با توجه به صحبتی که شما فرمودید و کاملاً هم منطقی و درست است، نقش مادر بسیار مهم است، مادر یک جاهایی باید همه این اصولی را که یاد می‌گیرد، به همسرش ارجاع بدهد و همسرش این آموزش‌ها را ببیند. در اصل می‌توانم اینطور بگویم که مادر حتی در آموزش تربیتی همسرش هم نقش پررنگی دارد! یعنی نه تنها فرزندش را تربیت می‌کند بلکه به خاطر شرایط خاصی که در اجتماع است، باید به همسرش هم آموزش بدهد.

یعنی به خاطر ویژگی‌های خاص خانم‌هاست که نقش تربیتی پررنگ‌تری دارند و همین که ارتباط بهتری می‌توانند با بچه‌ها برقرار کنند، نقش آنها را ویژه‌تر کرده است؟

بالاخره مادر به گونه‌ای خلق شده که هم از جهت احساسی هم از جهت عاطفی ارتباطش با فرزند بسیار زیاد است و مخصوصاً کودکان زیر هفت سال، نیاز به عواطف بیشتر، احساس بیشتر، آغوش گرم‌تر و انس بیشتری دارند و خداوند تبارک و تعالی این ویژگی‌های زیبا را در زن بیشتر قرار داده و پررنگ‌تر است، پس مادر نقش بسیار اساسی در این زمینه دارد.

رفتارهای تربیتی ما در قبال فرزندان‌مان با جنسیت متفاوت باید چگونه باشد؟ به نظر می‌رسد بعضی وقت‌ها نیاز باشد که ما یکسری تفاوت‌هایی بین فرزند دختر و پسرمان در حوزه رفتارهای تربیتی داشته باشیم. درست است؟

خداوند تبارک و تعالی، زن را با اسم جمالش خلق کرد. اینکه خدمت‌تان عرض می‌کنم از بیانات گرانقدر و گران‌قیمت آیت‌الله جوادی‌آملی است. ایشان می‌فرمایند که زن با اسم جمال خدا و مرد با اسم جلال خدا خلق شده است. زن با یک طراوت خاص، یک احساس خاص و یک نرمی خاص و مرد با یک جباریت خاص خلق شده است. در مسئله تربیت در رابطه با فرزند پسر هم این مسئله نمود دارد. من در رابطه با فرزند دخترم باید آهسته‌تر حرکت کنم و خیلی احساسی‌تر و لطیف‌تر رفتار کنم. اگر مثلاً من پنج تا «نه» به پسرم می‌گویم، به دخترم باید سه تا «نه» بگویم. در روایت هم داریم که وقتی فرزندان شما کنارتان هستند، اگر دختر دارید اول دخترتان را در آغوش بگیرید. در مسئله تربیتی هم این موضوع نقش دارد. یک جاهایی لازم است پدر و مادر شدت بیشتری در تربیت به خرج بدهند ولی در مورد فرزند دختر باید این شدت را کاهش داد، چون دختر لطافت دارد و سریع پژمرده می‌شود. دختر مثل یک گل می‌ماند و باید در کنار این شدت تربیتی یک خدماتی هم به او بدهیم، ولی باید پدر و مادرها دقت کنند که اگر دختر و پسر در کنار همدیگر هستند، این خدمات ویژه نباید کنار هم باشد، چون باعث آسیب اخلاقی می‌شود. ما می‌توانیم بدون اینکه فرزند پسرمان متوجه شود، لطیف‌تر و ملایم‌تر به فرزند دخترمان خدماتی ارائه بدهیم. در مسائل دستوری هم باید این را رعایت کرد.

> **نقش مادر بسیار مهم است مادر یک جاهایی باید همه اصولی را که یاد می‌گیرد به همسرش ارجاع بدهد و همسرش این آموزش‌ها را ببیند. در اصل می‌توانم اینطور بگویم که مادر حتی در آموزش تربیتی همسرش هم نقش پررنگی دارد!**

مثلاً کجاها؟

یک وقتی دختر و پسر ما دارند باهم دعوا می‌کنند؛ اینجا اگر می‌خواهیم وارد عکس‌العمل شویم، توصیه اول این است که به دعواهای بچه‌ها ورود نکنیم و از تکنیک حواس‌پرتی استفاده و حواس‌شان را به سمت جذاب‌تر پرت کنیم. حالا این اتفاق در خانه بین دختر من و پسر من رخ می‌دهد. اینجا من باید چه کار کنم؟ برای اینکه بخواهیم این حساسیت نسبت به دختر را رعایت کنیم اینجا باید پیام‌مان را به پسر بدهیم و با پسر باید اول روبه‌رو شویم و بعد این پیام را به صورت کنایه به دخترمان بازگردد که آن لطافت حفظ شود. این اصول باید رعایت شود. حساسیت دختر با پسر تفاوت دارد ولی باید حواس‌مان جمع باشد و آنقدر مهارت داشته باشیم و آموزش‌دیده باشیم که این حساسیت باعث لوس‌شدن و رشوه‌گرفتن دخترمان هم نشود. در واقع جوری فضا را مدیریت کنیم تا بچه‌ها این تفاوت رفتاری را احساس نکنند.

همانطور که می‌دانید اغلب خانواده‌ها سعی می‌کنند تربیت خوبی داشته باشند ولی با تأثیر محیط گاهی اوقات فرزندان‌شان به گونه‌ای دیگر در اجتماع ظاهر می‌شوند. سؤال مهمی که در تربیت دختران وجود دارد، این است که اگر شیوه تربیتی ما به درستی اجرا شود و تا هفت سالگی که شخصیت کودک شکل می‌گیرد، تربیت درستی پایه‌ریزی شود، وقتی ما در ۹سالگی سن تکلیف دختران‌مان را داریم، دیگر با تربیت دینی آنها به چالش برنمی‌خوریم؟ در موضوع دختران‌مان و به خصوص بحث حجاب و مسائل اینچنینی در شرایط فعلی این موضوع برای‌مان خیلی چالش‌برانگیز شده است که خانواده مذهبی هستند اما دختران‌شان وقتی وارد جامعه می‌شوند، تغییر می‌کنند و رفتاری متفاوت از تربیت خانوادگی خود بروز می‌دهند. در همان دوران کودکی چه کارهایی می‌توان کرد که کمی بیشتر اثر اجتماع و فضای مجازی و اتفاقاتی که در جامعه و گروه همسالان و غیره می‌افتد، خنثی شود و ما تا حدود بیشتری اطمینان داشته باشیم که فرزندمان قوی‌تر در برابر باورهای دینی و ارزشی وارد جامعه می‌شود؟

نکته خیلی مهم در مسئله تربیت دینی که باید به آن توجه کنیم، این است که سه عامل در شخصیت کودک نقش دارند. این سه عامل اول وراثت، دوم محیط و سوم اراده است. وراثت و محیط تأثیر دارد. ما نمی‌توانیم تأثیر این دو عامل را نادیده بگیریم ولی اراده هم بسیار مهم و بر اینها حاکم است، یعنی اگر فرزند من با تربیت درستی که من داشته‌ام اراده داشته باشد و اراده‌اش را قوی کند، می‌تواند بر دو عامل محیط و وراثت فائق شود. اینکه ما مسئله تربیتی را مطرح کردیم، برای این است که اگر اراده بچه هم قوی شود، به این منجر می‌شود که بر محیط و بر وراثت احاطه پیدا کند، اما اینکه چه می‌شود کودک من وقتی وارد نوجوانی شد، از موقعیت اصلی خودش خارج می‌شود و تغییر می‌کند. در پاسخ به این سؤال باید گفت، ما پدرومادرها فکر می‌کنیم فقط به بچه‌های‌مان بگوییم نماز بخوان، روزه بگیر و واجباتت را انجام بده کفایت می‌کند، در حالی که رفتار و عملکرد و موقعیت‌های اجتماعی که فرزند من در آن قرار می‌گیرد هم تأثیرگذار است. دوستی که انتخاب می‌کند مهم است. اینها خیلی نقش دارد. پی‌ریزی این مسائل در همان هفت سال اول است. فرزند ما باید همنشینان خوبی داشته باشد، به این معنا که مهم است ما با افرادی که رفت و آمد می‌کنیم چگونه افرادی هستند. گاهی وقت‌ها افرادی از بستگان نزدیک ما هستند اما از جهت دینی ضعیفند، در برابر اینها باید چه کنیم؟ اینجا می‌گوییم، با این بستگان هم رفت‌وآمد می‌کنیم اما این روابط را مدیریت می‌کنیم. زمان و موقعیت در اینگونه روابط بسیار مهم است. در عین حال باید به فرزندان‌مان هم بگوییم که چه رفتاری غلط و چه رفتاری درست است. بچه‌های ما قدرت تجزیه و تحلیل دارند و به راحتی مسائل را می‌فهمند. محیط‌هایی که بچه را می‌بریم، کارهای فرهنگی‌ای که انجام می‌دهند، همه اینها تأثیرگذار است. وقتی بچه را به محیط‌های دینی می‌بریم، محیط‌هایی که بوی خدا می‌دهد، شخصیت بچه اینگونه شکل می‌گیرد و وقتی در بزرگسالی در موقعیت‌های خاص قرار می‌گیرد، اگر درست تربیت شده و آموزش دیده باشد، می‌تواند رفتار درستی اتخاذ کند. آموزش مهم است. ما فقط می‌گوییم که بچه‌های‌مان آموزش ببینند، اما این آموزش‌دیدن باید بازخورد هم داشته باشد. به این معنا که آیا نتایج این آموزش‌ها را در عملکرد فرزندمان هم می‌بینیم. آیا در موقعیت خاص قرار گرفته‌اند و امتحان‌شان کرده‌ایم. آموزش‌های ما باید کاربردی باشد. در چنین شرایطی فرزند ما وقتی در نوجوانی قرار بگیرد، حتی در محیط سمی هم می‌تواند تشخیص بدهد چه چیزی خوب است و چه چیزی خوب نیست. وقتی من به عنوان پدرومادر کار تربیتی را درست انجام دادم، بچه من شاید تا لبه پرتگاه برود، ولی پرت نمی‌شود، چون زیرساخت‌ها و پی چیدمان خوبی دارد. ما درصدی از والدین را هم داریم که تمام این مراحل را به درستی طی کرده‌اند ولی خود بچه نخواسته است. ما تا یک جایی می‌توانیم فرزندان‌مان را هدایت کنیم، حتی در روایت داریم هفت سال تا ۲۱سال باید بچه‌ها را هدایت کرد ولی دیگر اختیار با خود آنهاست که آیا پذیرش داشته باشند یا نداشته باشند. ما پدرومادرها باید وظیفه خودمان را درست دهیم تا فرزندان‌مان بتوانند خوب و بد را تشخیص دهند.

ویترین

چگونه فرزندان سالم و شایسته‌ای تربیت کنیم؟

شکوه تربیت

هدف از تعلیم و تربیت پرورش شخصیتی است که بتواند بر خود مسلط شود و تمایلات و عواطف خود را زیر نظر قرار دهد و طبق معیارهای منطقی و عقلی عمل کند. از راه تعلیم و تربیت می‌توان شرایطی برای رشد فردی و رفاه جمعی فراهم کرد که در زندگی انسان نقشی مهم دارد و به طور کلی رشد و تعلیم استعدادهای فردی، محکم‌شدن پایه‌های زندگی جمعی، گسترش آرمان‌های آزادمنشانه و ایجاد تفاهم میان افراد در سایه تعلیم و تربیت صورت می‌گیرد.

تعلیم و تربیت برای انسان به منزله نور است که ظهور و بروز هر چیز به آن وابسته است. همانطور که می‌دانید در میان همه موجودات جهان تنها انسان آمادگی لازم را برای تربیت‌پذیری دارد و این مسئله زمانی امکانپذیر است که انسان در مسیر آموزش‌ها و تعالیم مربوط قرار گیرد و عوامل تربیتی در جهت هدایت و راهنمایی او به درستی انجام وظیفه کنند.

تعلیم و تربیت مورد توجه اکثر مردم قرار گرفته است، نویسندگان، شعرا، مصلحان اجتماعی، روشنفکران و فیلسوفان همه درباره تعلیم و تربیت صحبت می‌کنند و هر دسته از روی تجربیات خود درباره ماهیت و نقش آن به گفت‌وگو می‌پردازند و راجع به تعلیم و تربیت و آثار مترتب بر آن از دیرباز سخن گفته‌اند.

حقیقت این است که در قانون الهی «فرزند» از بالاترین و ارزشمندترین جایگاه برخوردار است و فرزندآوری از پرخطرترین مسئولیت‌ها و رسالت‌هاست چراکه کودکان در نظام اسلامی، از همان روزهای آغازین حیات صاحب حقوق حقه‌ای در ابعاد زیستی و روانی هستند که توجه به آن از وظایف و مسئولیت‌های درخور توجه والدین است.

کتاب شکوه تربیت نوشته مریم سلیقه، درباره و در ضرورت تربیت آدمی است و کمک قابل ملاحظه‌ای به خانواده‌ها در تربیت فرزندان سالم و شایسته خواهد کرد.

در بخشی از کتاب شکوه تربیت می‌خوانیم:

نگرش‌ها و رفتار والدین می‌تواند تسهیل‌کننده یا مانع در جریان رشد و تکامل کودک باشد. والدین سختگیر و خشن مانع می‌شوند فرزندان‌شان از روابط مثبت و سازنده با همسالان خویش که برای استقلال آنان بسیار مؤثر است، بهره گیرند، در حالی که والدین پذیرا و فهمیده منبع امنیت برای نوجوانان نگران و مضطرب خویش خواهند بود. چنین والدینی نه تنها در حل مشکلات نوجوانان با آنها همراه و همیارند بلکه نوجوانان را به مستقل‌شدن و پذیرش مسئولیت تشویق می‌کنند.

ارزش‌های والدین در رشد کودک از اهمیتی خاص برخوردار است. والدینی که دارای معیارها و ارزش‌های والایی هستند و در زندگی با رفتار مناسب عمل می‌کنند، غالباً فرزندان‌شان نیز در مواجهه با ضوابط و رفتار تعارض‌انگیز دارای همان ارزش‌های والا خواهند بود بر عکس والدینی که احساس مسئولیت نمی‌کنند و بر مبنای هر چه پیش آید، خوش آید، عمل می‌کنند، فرزندان چنین خانواده‌هایی به دروغگویی، دزدی و دیگر رفتارهای بزهکارانه دست می‌زنند.

به نظر می‌رسد مبنای خانواده در سلامت نه تنها یک ضرورت بیولوژیکی بلکه روانی است، بنابراین اولین مدرسه تربیت فرزند محیط خانواده است. رفتار و گفتار پدران و مادران و طرز زندگی آنان مشخص‌کننده نیک و بد خانواده و میزان پاکی و ناپاکی آن محیط است. آری اثرات و نفوذ خانواده در رشد کودک و نوجوان بی‌شمار است و خویشتن‌پنداری و احساس ارزشمندی نوجوان از نگرش‌های اعضای خانواده نسبت به او نشئت می‌گیرد.

هرگاه والدین در هر یک از مراحل رشد به کودک مسئولیتی درخور توانش بدهند، به تدریج درباره خود به عنوان یک فرد قابل اعتماد و شایسته می‌اندیشد.

اگر والدین صادقانه به او محبت کنند، او دوست‌داشتن دیگران و مورد علاقه دیگران‌بودن را یاد می‌گیرد و بالاخره اگر والدین از اعتماد او نسبت به استقلال‌یافتن جلوگیری به عمل نیاورند، او قادر خواهد بود در خلال دوره نوجوانی به درجه و میزان لازمی از آزادی دست یابد و به تدریج خود را از وابستگی کودکانه رها سازد.

نکته

نگه‌داشتن «عده» مهم‌ترین وظیفه زن پس از فوت شوهر

پیوند میان زن و شوهر، مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف مشترک را برای آنان تعیین می‌کند. این تکالیف و وظایف مشترک، ریشه در قانون، شرع، عرف و اخلاق اجتماعی دارند. به عنوان نمونه، مهریه و نفقه‌ای که مرد، به همسر خود می‌پردازد و در مقابل نیز زنان به لحاظ قانونی باید از شوهر خود، تمکین عام و خاص داشته باشند. گذشته از اینها زن و شوهر پس از اینکه صاحب فرزند شدند، باید در خصوص حضانت و تربیت فرزندان کوشش و حقوق مادی و معنوی فرزندان را نیز تأمین کنند.

با وجود این گاهی مرد، زودتر از همسر خود فوت می‌کند و فوت‌کردن مرد، زن را به لحاظ مادی و معنوی دچار شرایط به نسبت دشواری می‌کند، به خصوص در موقعیتی که متکفل معیشت خانواده، صرفاً شوهر بوده باشد، بنابراین این سؤال ممکن است مطرح شود که تکالیف زن بعد از مرگ شوهر چیست و قانون برای خانم‌هایی که شوهر آنان فوت کرده، چه تکالیف و وظایفی را در نظر گرفته است؟

وظایف زن بعد از فوت همسر

فوت شوهر، زن را به لحاظ حقوقی در شرایط خاصی قرار می‌دهد که بر اساس آن، زنان باید برخی وظایفی را که در قانون برای آنها مقرر شده است، انجام دهند. گاهی این سؤال مطرح می‌شود که وظایف زن بعد از فوت و مرگ شوهر، شامل چه مواردی است؟ به عبارت دیگر، در قانون برای خانم‌هایی که همسرشان فوت کرده، چه تکالیفی مقرر شده است؟ برای پاسخ‌دادن به این سؤال، باید شرایط متمایز هر فرد را نیز لحاظ کرد. به عنوان نمونه، زن شوهردار با داشتن فرزند، وظایف و تکالیف بیشتری در خصوص زندگی مشترک خود دارد و به عبارت دیگر، ممکن است متکفل امور معیشتی یا پرداخت نفقه به فرزندان خود باشد و موظف به حضانت از کودکان شود.

همچنین تمامی خانم‌هایی که همسر خود را از دست می‌دهند، به لحاظ قانونی مکلفند پس از فوت شوهر، عده نگه دارند و پس از آن، در صورت تمایل با مرد دیگری ازدواج کنند، اما در هر صورت، در طول مدت عده وفات شوهر، زنان حق نفقه خواهند داشت.

به علاوه اینکه ممکن است شوهر فوت‌شده، اموالی را از خود به جای گذاشته باشد. در این حالت، اصولاً زن می‌تواند پس از عمل کردن به وصیت شوهر، از اموال شوهر خود، حقوق مالی خود از قبیل نفقه معوقه، اجرت‌المثل ایام زندگی مشترک و مهریه خود را مطالبه کند و سپس مابقی آن را به صورت سهم الارث، میان سایر ورثه تقسیم کنند.

نگه‌داشتن عده

یکی از مهم‌ترین تکالیف پیش‌بینی‌شده در قانون مدنی، برای زنانی که از همسر خود به واسطه طلاق یا فوت جدا شده‌اند، نگه‌داشتن عده است. بر این اساس، زنان، موظف هستند در صورت فوت‌کردن همسر خود، به مدت ذکرشده در قانون، عده وفات شوهر نگه دارند.

فلسفه پیش‌بینی تکلیف زن جهت نگه‌داشتن عده وفات بعد از فوت همسر، آن است که حرمت شوهر فوت‌شده حفظ شود، به همین خاطر تمامی خانم‌های بیوه که همسر آنها فوت کرده است، موظف هستند به مدت چهارماه و ۱۰روز، عده وفات شوهر را نگه دارند و پس از سپری‌شدن عده فوت همسر، در صورت تمایل با مرد دیگری ازدواج کنند، البته نکته مهمی که در خصوص تکلیف زن به جهت نگه‌داشتن عده فوت شوهر وجود دارد، آن است که اصولاً تمامی خانم‌ها، صرف‌نظر از اینکه با همسر خود رابطه زناشویی برقرار کرده باشند یا خیر، مکلف به نگه داشتن عده وفات هستند، یعنی برخلاف عده طلاق که فلسفه آن، جلوگیری از اختلاط نسل است، در عده وفات شوهر، زن برای حفظ حرمت شوهر فوت‌شده باید عده نگه دارد، بنابراین حتی خانم‌هایی که به دوران یائسگی رسیده‌اند نیز در صورتی که شوهرشان فوت کند، باید عده وفات نگه دارند. همچنین در مورد تکلیف زنان باردار جهت نگه‌داشتن عده وفات شوهر، باید یادآوری کرد که عده وفات زن باردار تا پایان بارداری است، مگر اینکه زودتر از چهارماه و ۱۰روز وضع حمل کنند که در این صورت، عده وفات زن باردار، همان چهارماه و ۱۰روز خواهد بود.

ذکر این نکته ضروری است که در مقابل وظیفه زن در رابطه با عده پس از مرگ شوهر، این حق نیز برای زن پیش‌بینی شده است که از نفقه دوران عده وفات، برخوردار شود. به این صورت که بر اساس قانون مدنی، پرداخت مخارج زندگی زوجه در طول عده وفات، در صورت عدم‌امکان پرداخت از سوی اموال مرد متوفی، به عهده خویشاوندان همچون پدر وی خواهد بود.